

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۱۰ سپتمبر ۲۰۲۰

حمید انوری

وحشتکده کابل

تازه ترین حمله تروریستی در قلب کابل، حمله بر کاروان موتر های امرالله صالح بود که قرار معلوم ده (۱۰) نفر کشته و بیش از بیست (۲۰) نفر زخمی بجا گذاشت.

زمانی که معاون رئیس جمهور در قلب کابل، با تمام لا و لشکر و کاروان موتر های زرهی و سی-چهل بادیگارد تا دندان مسلح و راه بندان جاده ها و... از چنان حملات تروریستی مصون و در امان نباشد، قیاس کنید که مردم عام و بی دفاع و بی گناه کابل، در چه حالتی حیات به سر برده و شب و روز میگذرانند. آنجا یک وحشتکده بی در و پیکر گشته است!!!

ما که از فرسخ ها دور، شاهد کشتار روزانه هموطنان مظلوم خود هستیم، "زهر در پیاله و زهر مار اندر سیو ست" ما را، خون دل می خوریم از هر قطره خون ایکه از هموطنی بر زمین می ریزد، اگر خوب اند یا بد، بغض اندر گلوی ما کلوله می شود و اشک اندر چشم حلقه میزند، به زمین و زمان و یک مشت نا انسان لعنت و نفرین می فرستیم و آهی سردی از دل پُر درد بر می کشیم. تا کی هموطنان ما خون همدیگر را به نام های مختلف می ریزند و چرا؟ آخر همه ما مگر از یک رگ و ریشه نیستیم؟! مگر وطن ما، یک وطن نیست؟!

ریختن خون هموطن اصلاً و ابداً جایز نیست که نیست و در حالیکه در غم بازماندگان قربانیان خود را شریک میدانیم و برای زخمی ها، صحت عاجل و کامل آرزو میکنیم، می بینیم که چه دستانی اندر کار اند که کشور محبوب ما را در یک جنگ دائمی نگهدارند و افغانستان در خون تپیده را بار دگر، یکصد سال دیگر به عقب بکشند.

خوب است که جناب امرالله صالح از این حادثه وحشتناک جان سالم بدر بردند، چون در تمام حزب جمعیت اسلامی و شورای نظار آن، یگانه انسان و یگانه افغان اند که از لُچک ها و ارادل شورای

نظاری فاصله داشته و متفاوت اند، باوجود آنکه نظر به شرایط و اوضاع و احوال و چند و چون های دیگر، هنوز هم قادر نیستند دست از پاچه احمد شاه مسعود بردارند.

و اما اصل مطلب و لب و لباب قضیه این تواند بود که بگفته خود امرالله صالح، در حادثه متذکره، فرزند شان "عباد الله" هم بصورت سطحی زخم برداشته اند.

حال سوال اساسی اینجاست که در کاروان موتر های معاون اول رئیس جمهور کشور، فرزند شان چه کار می کرد؟

امرالله صالح روانه قصر ریاست جمهوری بود، کاروان امنیتی هم با در نظر داشت مسائل امنیتی، باید با سرعت به صوب مقصد در حرکت می بود، پس فرزند معاون اول ریاست جمهوری در آن کاروان چه می کرد؟

آیا امرالله صالح برای فرزند خود در قصر ریاست جمهوری کدام کار کم خرچ بالا نشین دست و پا کرده اند؟

آیا فرزند معاون اول ریاست جمهوری، یکی از مشاورین ایشان است، یا یکی از بادیگارد های شان؟

با اطمینان می توان گفت که کاروان امنیتی معاون اول ریاست جمهوری، در سر راه خود توقف نمی کرد تا فرزند معاون اول را به محل وظیفه یا تعلیم و تحصیل شان، پیاده کنند، پس یقیناً فرزند امرالله صالح در قصر ریاست جمهوری وظیفه مهمی را بر دوش دارند که بر ما هنوز معلوم نیست.

خورد و بُرد و واسطه و وسیله و خویشخوری و اقربا پروری در کشور برباد داده شده ما، قرار معلوم از رئیس جمهور و معاونین و مشاورین آنها آغاز و تا سطح پیاده دفتر ادامه دارد و هیچ استثنائی هم در کار نیست.

با جرئت می توان گفت که بانی و حامی این کثافت کاری های تهوع آور در افغانستان جنگ زده، شخصی است به نام "حامد کرزی" که کشوری را بر باد داد و مردمی را پامال امیال و هوس های شوم خود و اقارب خود کرد. همین او بود که جهت حفظ منافع شخصی، فامیلی، خانوادگی و...، خشت اول تهداب افغانستان بعد از جنگ را، سخت کج گذاشت و امروز ما بدبختانه شاهد کج رفتن دیوار این مُلک و مملکت هستیم.

بیست سال است که تهداب و دیوار و برج و بارو ای این کشور همچنان کج اندر کج و اندر کج رفته راهی است، چون خشت اول تهداب این بنا را کج گذاشتند و مسؤل مستقیم این همه نابسامانی ها و کج روی ها، فقط و فقط "حامد کرزی" است.

به یقین می توان گفت اگر روزی، روزگاری، در افغانستان آرامش، صلح شرافتمند و یک حکومت ملی و مردمی برقرار گردد، در لست خائنین ملی که از هفتم ثور ۱۳۵۷ آغاز و تا همان روز موعود ادامه خواهد یافت، نام "حامد کرزی" در صدر لیست قرار خواهد داشت. یک ضرب المثل جاپانی، مصداق گفته های ما، به خوبی می تواند باشد:

بخاطر میخی، نعلی افتاد

بخاطر نعلی، اسپهی افتاد

بخاطر اسپهی، سرداری افتاد

بخاطر سرداری، جنگی شکست خورد

بخاطر شکستی، مملکتی نابود شد

و تمام اینها بخاطر کسی بود که میخی را خوب نکوبیده بود!!

خشت اول گر نهد معمار کج

تا ثریا میرود دیوار کج